

## درس دوم : سنت مقدس

### قسمت دوم

بدون شک رسولان نظمی را برای کلیسا مقرر کردند.

معقول نیست فرض کنیم که رسولان خداوند، بدون وضع قوانینی برای هدایت کلیسا، آن را ترک گفته باشند. ایشان این قوانین را در رسالات خود نوشتند.

بدون شک، آن قوانین از طریق سنت و امانت به ما رسیده‌اند.

یوحنا رسول در قسمت آخر رساله دوم خود می‌گوید:

«بسیار چیزها داشتیم که به شما بنویسم؛ لیکن نمی‌خواهم با قلم و کاغذ باشد. اما امیدوارم نزدتان بیایم و رویاروی گفتگو کنیم». (دوم یوحنا ۱۲)

همین عبارات را در بخش پایانی رساله سومش تکرار می‌کند. (سوم یوحنا ۱۳ و ۱۴)

جزئیات این دیدارهای رویاروی چه بود؟ و چرا به صورت مکتوب نوشته نشده‌اند؟

از این فرازها در دو رساله متوجه می‌شویم که پدران رسولی ما گاهی ترجیح می‌دادند گفتگو کنند تا اینکه بنویسند چراکه اینگونه برایشان راحت‌تر بود. تعالیم شفاهی ایشان از نسلی به نسل دیگر به امانت سپرده شد تا اینکه امروزه به دست ما رسیدند.

پولس رسول در رساله اول به قرن‌تیان می‌گوید:

«در خصوص سایر چیزها چون نزدتان آمدم، دستورات لازم را خواهم داد». (اول قرن‌تیان ۱۱: ۳۴)

این تعالیم رسولی کجاست؟ آیا ما آنها را از طریق سنت به دست آورده‌ایم؟

پولس رسول به شاگرد خود تیتوس، اسقف کرت، می‌گوید:

«تو را از آن رو در کرت بر جای گذاشتم تا کارهای ناتمام را سامان دهی و همانگونه که تو را امر کردم در هر شهر مشایخی برگماری». (تیتوس ۱: ۵)

او در رساله خود توضیح نداده است که چگونه با توجه به دعاها، آیینها و شرایط لازم، مشایخ را برگمارد. تیتوس چگونه این مسائل را می‌دانست مگر از طریق تعلیم شفاهی؟ به همین خاطر است که رسول می‌گوید: «همانگونه که تو را امر کردم ...». جزئیات این امر، در رساله ذکر نشده است اما شاگرد آنها

را از راه شفاهی و «رویاروی» آموخته بود و از طریق سنت به ما نیز رسیده است.

همچنین پولس رسول به شاگرد خود تیموتائوس، اسقف افسس می گوید:

«آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسیار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند» (دوم تیموتائوس ۲:۲).

در اینجا رسول به «شنیدن» اشاره می کند نه «نوشتن».

او بر ما آشکار نمی کند که شاگردش چه چیزی را از وی شنیده بود. اما بدون شک، آن تعالیم از پولس به تیموتائوس، و سپس به مردمان امین و قابل اطمینان سپرده شد و آنان نیز آن امانت را به دیگران سپردند. و این امانت گذاری ادامه یافت تا به دست ما رسید.

کسانی که به اصرار می خواهند همه چیز را از طریق یک آیه از کتاب مقدس ثابت کنند، به واژه «رویاروی» (دوم یوحنا ۱۲) که رسول گفته بود، آن تعالیم رسولی در مورد کلیسا که نوشته نشده بود (اول قرنیتیان ۱۱: ۳۴) ، آن اوامر رسولان به شاگردانشان (تیتوس ۱: ۵) ، و تعالیم رسولی ای که بدون وجود یک آیه در اناجیل یا رسالات به حیات کلیسا داخل شدند ، بی اعتنایی می کنند.

### تقدیس [=تخصیص] روز یکشنبه به عنوان روز خداوند

تمامی مسیحیانی که تنها به کتاب مقدس ایمان دارند و با سنت کلیسا مخالفند، روز یکشنبه را به جای روز شنبه، به خداوند تخصیص می دهند و به معنای تحت اللفظی این آیات که «روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی» (خروج ۲۰: ۸) و «روز سبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما» (تثنیه ۵: ۱۲) وفادار نیستند. از کجا این تعلیم را به دست آورده اند که روز یکشنبه را به جای روز شنبه وقف خداوند کنند؟ از طریق کتاب مقدس یا از طریق سنت؟ بدون شک، از طریق سنت، زیرا هیچ آیه ای وجود ندارد که بگوید «روز یکشنبه را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی» یا «روز یکشنبه را نگاه دار و آن را تقدیس نما و در آن هیچ کاری مکن».

تقدیس روز یکشنبه یک سنتی کلیسایی شده است، که رسولان آن را از تعالیم یسوع مسیح خداوند به دست آورده بودند. این موضوع به وضوح در اناجیل نوشته نشده است اما مراجعی در کتاب اعمال رسولان وجود دارد که این امانت الهی را می رسانند. بنابراین این موضوع به یک عمل آشکار در کلیسا تبدیل شد بدون آنکه نیازی به دستورات مکتوب بوده باشد. اتحاد تمام کلیساها در تقدیس روز یکشنبه، یک تصدیق برای سنت است.

## پولس در رساله خود به تعلیمی که از خداوند یافته اشاره می‌کند

رسول، با توجه به آیین قربانی مقدس می‌گوید:

«زیرا من از خداوند یافتم آنچه را به شما نیز سپردم، که یسوع خداوند در شبی که او را تسلیم دشمن کردند، نان را گرفت (اول قرن‌تین ۱۱: ۲۳)».

در اینجا رسول در مورد امانتی که از خداوند یافته بود و به کلیسای قرن‌تس امر کرده بود سخن می‌گوید. (در آن زمان اناجیل نوشته شده نبودند).

کتاب مقدس روشن نمی‌سازد که پولس رسول آن را چگونه و در چه زمانی از خداوند یافته بود. او به ما در مورد دگماهای [=اصول عقاید] کلیسا و اینکه چگونه از طریق سنت وارد کلیسا شده‌اند معرفت می‌دهد.

ما از اناجیل در می‌یابیم که رسولان، آیین قربانی مقدس را از خداوند دریافت کرده‌اند. اما ایشان نگفته‌اند که این آیین را چگونه به کلیسا سپرده‌اند. لازم نبود که آن را به صورت مکتوب در آورند، اما مهم این است که کلیسا این آیین را به جا می‌آورد. به هر حال پولس رسول به این سنت اشاره داشت.

## رسولان در رسالات خود اموری را ثبت کرده‌اند که از راه سنت دریافت کرده‌اند

(الف) یهودای رسول در رساله خود، به مجادله میکائیل، فرشته اعظم با شیطان بر سر جسد موسی اشاره کرده می‌گوید:

«حال آنکه حتی میکائیل، فرشته اعظم، آنگاه که با ابلیس بر سر جسد موسی مجادله می‌کرد، جرأت نکرد خود او را به سبب اهانت محکوم کند، بلکه فقط گفت: خداوند تو را توبیخ نماید» (یهودا ۹).

هیچ یک از اینها در عهد عتیق اشاره نشده است. بنابراین احتمالاً یهودا آن را از طریق سنت دریافت کرده است.

(ب) هنگامی که پولس رسول درباره هراس مردم از دریافت شریعت اعلام می‌کند، می‌گوید:

«آن مناظره چنان هراسناک بود که موسی گفت: از ترس به خود لرزیدم» (عبرانیان ۱۲: ۲۱).

این فراز درباره موسی، نه در کتاب خروج و نه در کتاب تثنیه ثبت نشده است. بنابراین احتمالاً پولس رسول آن را از طریق سنت دریافت کرده بود.

(ج) بعلاوه، در کتاب مکاشفه به بی‌عفتی بلعام اشاره می‌کند که جزئیات آن در کتاب اعداد ۲۴: ۲۵

نوشته نشده است. در کتاب مکاشفه نوشته شده:

«لکن بحث کمی بر تو دارم که در آنجا اشخاصی را داری که متمسکند به تعلیم بلعام که بالاق را آموخت که در راه بنی اسرائیل سنگی مصادم بیندازد تا قربانی‌های بت‌ها را بخورند و زنا کنند» (مکاشفه ۲: ۱۴).

در کتاب اعداد بیان شده که مردم این کار را انجام دادند، اما ذکر نشده که این تعلیم بلعام بوده است. بنابراین یقیناً یوحنا ی رسول، کاتب کتاب مکاشفه، آن را از طریق سنت آموخته بود.

همچنین درباره بلعام، پطرس رسول می‌گوید:

«راه راست را ترک گفته، و با در پیش گرفتن راه بلعام بن بعور که مزد ناراستی را دوست می‌داشت گمراه گشته‌اند» (دوم پطرس ۲: ۱۵)،

و همچنین یهودای رسول می‌گوید:

«وای بر آنان زیرا به راه قائن رفته‌اند و در گمراهی بلعام گرفتار آمده در طغیان قورح هلاک گشته‌اند» (یهودا ۱۱).

(د) به همین سان، یهودای رسول نبوت خنوخ را بازگو می‌کند که در عهد عتیق بدان اشاره‌ای نشده است. او می‌گوید:

«خنوخ، که نسل هفتم پس از آدم بود، درباره همینها پیشگویی کرده می‌گوید: هان، خداوند با هزاران هزار فرشته مقدس خود می‌آید تا بر همگان داوری کند و همه بی‌دینان را به سبب تمامی کارهای خلاف دینداری که در بی‌دینی کرده‌اند و به سزای جمله سخنان زشتی که گناهکاران بی‌دین بر ضد او گفته‌اند، به محکومیت رساند» (یهودا ۱۴ و ۱۵).

مرجع این نبوت می‌بایست سنت بوده باشد.

(ه) امر ختنه، توسط خدا به پاتریارک ما ابراهیم سپرده شد (پیدایش باب ۱۷) و توسط سنت به مردم سپرده شد، پیش از آنکه شریعت مکتوب شود.

### فواید سنت

(۱) ما از طریق سنت، خود کتاب مقدس را درک می‌کنیم. کتب الهی به ما سپرده شدند ولی ما نمی‌توانستیم آنها را درک کنیم یا تشخیص دهیم، مگر از طریق سنت. شوراها ی مقدس کتب عهد جدید را برای ما مشخص کردند.

(۲) از طریق سنت، میراث کلیسا، آیین‌ها و قوانین آن به ما رسیدند.

(۳) سنت، ایمان راستین را نسل به نسل برای ما محفوظ نگاه داشته است. اگر شرح و تفسیر کتاب مقدس به درک شخصی هر کس واگذار می‌شد، به مذاهب و گروه‌های بسیاری از ایمان واحد تقسیم می‌شدند، چراکه کتاب مقدس یک چیز است و راه تفسیر آن چیزی دیگر.

(۴) سنت، تعالیم و اعتقادات معینی را برای ما حفظ کرده است، از جمله تقدیس روز یکشنبه، کشیدن نشان صلیب، قانون تک‌همسری، دعا برای خفتگان (مردگان) و وظایف هر کشیش.

### سنت معتبر و سنت باطل

کسانی که سنت را انکار می‌کنند، اظهار می‌دارند که مسیح نیز سنت را انکار کرد آنگاه که فریسیان و معلمان دین را سرزنش کرده، فرمود:

«چرا شما خود برای حفظ سنت خویش، حکم خدا را زیر پا می‌گذارید؟» (متی ۱۵: ۳)،

و برخی سنت‌های نادرست را نیز محکوم کرد. (متی ۱۵: ۴-۶)

همچنین ایشان از این فراز پولس رسول استفاده می‌کنند:

«بهوش باشید که کسی شما را با فلسفه‌ای پوچ و فریبنده اسیر نسازد، فلسفه‌ای که نه بر مسیح، بلکه بر سنت آدمیان و اصول ابتدایی این دنیا استوار است.» (کولسیان ۲: ۸)

هنگامی که از سنت سخن می‌گوییم، مقصودمان سنت‌های عبثی نیست که انسانها ساخته‌اند و نه آن سنت‌هایی که بر پایه الهیات و الهام از کتاب مقدس نیست، از جمله سنت‌هایی که یسوع مسیح خداوند بطلتشان را آشکار کرده است. لیکن ما مقصودمان سنت‌های راستینی است که با موارد ذیل مطابقت دارند:

(۱) تعالیم یسوع مسیح خداوند که از طریق سنت به ما سپرده شده‌اند.

(۲) سنت‌های رسولی، یعنی تعالیم رسولان، که سینه به سینه و نسل به نسل به ما رسیده‌اند.

(۳) سنت‌های کلیسایی، که بواسطه شوراهای مقدس جهانی با توجه به کانونها و قوانین کلیسا حکم شده‌اند و آنچه که ما از پدران، معلمان و اساطیر ایمان در کلیسا به دست آورده‌ایم.

### اقتدار کلیسا در وضع قوانین

این اقتدار توسط خود خداوند به پدران رسولی داده شد آنگاه که فرمود:

«... هر آنچه بر زمین ببندید، در آسمان بسته خواهد شد؛ و هر آنچه بر زمین بگشایید، در آسمان گشوده خواهد شد» (متی ۱۸: ۱۸).

کلیسا این مأموریتش را با نخستین شورای کلیسا در اورشلیم (سال ۴۵ م.) آغاز کرد. در این شورا در مورد ایمان آوردن غیریهودیان بحث شد، و رسولان تصمیم گرفتند باری بر دوش آنان نهند و فرمودند: «روح القدس و ما مصلحت چنین دیدیم که باری بر دوش شما ننهیم، جز این ضروریات که از خوراک تقدیمی به بتها و خون و گوشت حیوانات خفه شده و بی عفتی بپرهیزید». (اعمال ۱۵: ۲۸، ۲۹)

بنابراین شوراهاى مقدس، خواه محلی و خواه جهانی، همیشه از طریق اقتدار کلیسا در تعلیم، وضع قوانین و کانونیزه کردن [=تشریح] هدایت می شد که خداوند آن را به روحانیون سپرد. این شوراها، تعلیم، تصمیمات و قوانین را برای کلیسا مقرر کردند که در سنت کلیسایی جای گرفت.

### شرایط سنت راستین

(۱) با کتاب مقدس ناسازگار نباشد (غلاطیان ۱: ۸)

(۲) نباید سایر سنت های کلیسا را رد کند

(۳) کلیساها باید آن را بپذیرند

می دانیم که در هر نسل، مسائل جدیدی برمی خیزند که در نسل های گذشته موجود نبوده اند که نظر کلیسا در مورد این مسائل باید مشخص شود تا مردم از راه راست نلغزند و در تشخیص درست و نادرست سردرگم نشوند. زیرا همه مردم با کتاب مقدس و شریعت های دینی آشنایی ندارند و لذا کلیسا بنا بر اقتدار خود، نظر دین را در مورد مسئله نوظهور اعلام می کند چنانکه کتاب مقدس می گوید که شریعت از دهان کاهن طلبیده می شود. (ملاکی ۲: ۷)

نسل ها یکی پس از دیگری، تعلیم کلیسا را از طریق سنت وارث شده اند.

### رسولان امر کردند که سنت ها باید حفظ شود

پولس رسول فرمود: «پس، ای برادران، استوار باشید و سنت های را که چه با سخن زبان و چه با نامه به شما سپردیم، نگاه دارید» (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۵).

وی همچنین فرمود: «به شما، ای برادران، دستور می دهیم، بنام خداوند یسوع مسیح، از هر برادری که در بی نظمی رفتار می نماید و نه بر طبق آن سنتی که از ما دریافت کرده اید دوری کنید» (دوم تسالونیکیان ۳: ۶).

و همچنین به قرن تیان گفت: «شما را تحسین می کنم که در همه چیز مرا به یاد می آورید و سنت ها را به

همان شکل که به شما سپردم، حفظ می‌کنید». (اول قرن‌تیان ۱۱: ۲)

### پروتستانها نیز سنت دارند

این سنت همان نظامی است که آنها را برای پرستش خدا گرد هم می‌آورد که از آن جمله می‌توان به تعیین شبانان، ازدواج، و سایر مراسمشان اشاره کرد.

هیچیک از پروتستانها آنچه را که دلبخواهی است نمی‌کنند بلکه قواعدی وجود دارد که از آن پیروی می‌کنند.

یقیناً اینها سنت هستند، تفاوتی نمی‌کند که خودشان بر آن چه نامی نهند.

با اینکه پروتستانها سنت مقدس را رد می‌کنند، اما سنتهای خودشان را دارند که وفاداران از آنها پیروی می‌کنند و همچنین آیینهای خاص خودشان را دارند هرچند که آیینها را نمی‌پذیرند. آنان برای خود دعاهای مکتوب و قرائت‌نامه‌هایی برای دستگذاری، ازدواج، تعمید و تشییع جنازه دارند هرچند مناجاتها را رد می‌کنند.

این نشان می‌دهد که آنان نیز سنتها دارند، اما سنتهایی را که با اعتقاد خودشان هم‌خوانی ندارد انکار می‌کنند. سنتها میراث ارزشمندی هستند و هیچ کلیسایی نباید آن را از دست بدهد و در غیر اینصورت از گذشته خویش محروم و عاری از تجربه‌های گذشتگان خواهد بود.